

رابطه انسان با طبیعت در اندیشه اسلامی

چکیده

عنوان پژوهش پیش رو رابطه انسان با طبیعت در اندیشه اسلامی می باشد. این پژوهش که با هدف تبیین رابطه انسان با طبیعت، لزوم بهره گیری صحیح از منابع موجود در طبیعت و حسن برخورد و رفتار مناسب با موجودات زنده تدوین شده است.

روش بکار رفته در این مقاله رویکردی توصیفی - تفسیری است. یافته های این بررسی حاکی از آن است که در میان ارتباطات چهارگانه انسان (ارتباط با خود، خدا، انسانهای دیگر و طبیعت)، ارتباط انسان با طبیعت شگفت انگیز و در عین حال پر ابهام است. چرا که انسان بر پهنه زمین، خود بخشی از طبیعت و عضوی از اعضای روییده بر پیکره خاک است. تا آنجا که در تجزیه جسمانی و مادی، تمامی عناصر موجود در کالبد آدمی، همه و همه همان عناصر موجود در طبیعت شناخته شده است.

از این رو در آموزه های دینی لزوم شناخت طبیعت و شیوه ارتباط با آن به طور ویژه مورد بررسی قرار گرفته شده است.

واژگان کلیدی: انسان - طبیعت - رابطه - منابع - موجودات - بهره گیری.

۱. طلبه سطح ۳ مدرسه علمیه اسلام شناسی حضرت زهرا سلام الله علیها و کارشناسی ارشد فلسفه دانشگاه فردوسی مشهد (نویسنده مسئول)
۲. استاد راهنما، استاد حوزه علمیه

طرح بحث

انسان در نظام هستی، ارتباطات و روابط گوناگونی دارد، که می توان این ارتباطات را در چهار دسته ی عمده تقسیم بندی کرد:

۱- ارتباط با خویشان ۲- ارتباط با خدا ۳- ارتباط با دیگران (همنوع خود) ۴- ارتباط با طبیعت و جهان هستی

در رابطه با خویشان، هر انسانی ابتدا باید خود را به خوبی بشناسد و جایگاه واقعی خود را درک کند و در رابطه با خداوند اولاً نسبت به او شناخت و معرفت پیدا کند، و ثانیاً تنها او را اطاعت و عبادت کند. و در رابطه با قسم سوم یعنی ارتباط با دیگران نیز باید بداند که انسان موجودی اجتماعی است و زندگی اجتماعی، منشأ حقوق و تکالیف معینی است که باید آن ها را رعایت کند تا زمینه ساز تحقق عدالت اجتماعی باشد.

و در رابطه با طبیعت نیز باید چگونگی رابطه جهان هستی را با خداوند دریابد و نیز بفهمد که خود او نسبت به جهان هستی و طبیعت چه رفتار و کرداری باید داشته باشد تا برخورداری متقابل حاصل شود.

در نگاه دین مدارانه و معرفت متکی به وحی، انسان برای ایجاد تعامل موثر و کارا با جهان هستی و طبیعت نباید تنها رویکرد بهره بردار را اتخاذ کند، بلکه باید خود را با طبیعت وفق داده و با آن ارتباط عالی برقرار کند. چرا که در تعالیم اسلامی، یک سلسله اطلاعات درباره جهان هستی و طبیعت وجود دارد، که تدبیر در آنها و عمل به آنها در تنظیم ارتباط انسان با طبیعت موثر است. از جمله اینکه خداوند در قرآن تاکید می کند که طبیعت زنده و باشعور است و انسان با جهانی آگاه و هوشیار سر و کار دارد. و به همین خاطر رابطه ی انسان با طبیعت در میان ارتباطات چهارگانه ی مذکور شگفت انگیز تر و در عین حال پر ابهام تر است.



ذی شعور بودن طبیعت

جهانی که انسان ها و همه ی موجودات در آن حضور دارند، جهانی است سراسر از شگفتی و عظمت؛ جهانی که در هر دوران، درکی تازه از آن همواره برای انسانها رخ داده است و البته که بسیاری از آن حقایق، هم چنان مخفی بوده و در هاله ای از ابهام قرار دارد.

یکی از حقایق علمی و فلسفی که قرآن از آن پرده برداشته، جریان علم و آگاهی در سراسر هستی است و این که جهان آفرینش، از زمینی گرفته تا فلکی، هرچند به ظاهر ساکت و خاموشند، اما برای خود آگاهی دارند و این موضوع سبب گردیده که مباحث گسترده و زیبایی در این رابطه مورد مطالعه و توجه جوامع بشری قرار گیرد.

این مطلب نه تنها از طریق آموزه های دینی به دست مسلمانان رسیده است، بلکه کشفیات دانشمندان نیز آن را تأیید می کند که هر کجا وجود و هستی هست، آگاهی و شعور نیز هست؛ البته آگاهی در درجه ی وجودی خود، موجوداتی که آنان را فاقد عقل و هوش دانسته، حیواناتی که از دیدگاه انسان، حقیر و کوچکنند، هر یک عالمی دارند که بشر دانشمند، بایستی سال ها بررسی و دقت کند تا به گوشه ای از عالم اسرارآمیز آنان واقف گردد و در پرتوی آن، به عظمت پروردگار خود پی ببرد.

یکی از مطالبی که قرآن، فراوان به آن اشاره داشته است، و فهم آن در تنظیم ارتباط انسان با طبیعت موثر است مسأله ی زنده و ذی شعور بودن طبیعت است و انسان با جهانی آگاه و هوشیار سر و کار دارد، که در آن همه موجودات خدا را تسبیح می کنند. چنانکه در سوره بقره آیه ۷۴ می فرمایند: «...وَإِنَّ مِنْهَا لَمَا يَهْبِطُ مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ...»؛ (پاره ای از سنگها از بیم خدا فرو می ریزند). و همچنین در سوره اسراء آیه ۴۴ «تُسَبِّحُ لَهُ السَّمَاوَاتُ السَّبْعُ وَالْأَرْضُ وَمَنْ فِيهِنَّ وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا

يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ وَلَكِنْ لَا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ...»؛



«آسمانهای هفتگانه و زمین و هر که در آنهاست تسبیح او می کنند و چیزی نیست مگر اینکه با ستایش خدا تسبیح می کند اما شما تسبیح موجودات را در نمی یابید.»

بعضی از مفسرین عقیده دارند که این تسبیح به معنای حقیقی کلمه توسط موجودات انجام می شود، اما ما آن را نمی فهمیم. نفهمیدن مادلل بر آن نیست که جمادات زبان ندارند. قرآن تصریح دارد براین که تمامی موجودات زبان دارند: «قَالُوا أَنْطَقَنَا اللَّهُ الَّذِي أَنْطَقَ كُلَّ شَيْءٍ...» (فصلت/۲۱)؛ «گفتند: ما را خدا، که همه چیز را به سخن آورد، گویا کرد.» این اشاره قرآن به واژه نطق را می توان به عنوان یکی از آثار و نشانه های شعور و ادراک که برای همه ی موجودات دانست و از آنجا که قرآن، کتاب شعر نبوده و با خیال پردازی سخن نمی گوید، مسلماً هدفش از انتساب نطق به موجودات، حقیقت بوده و انسانها را دعوت به تفکر و تأمل در این آیات نموده است.

نوع رابطه و تناسب انسان با طبیعت

هنگامی که سخن از رابطه متقابل و مناسبات انسان و طبیعت به میان می آید این پرسش رخ می نماید که منظور از (رابطه) چیست؟ زیرا در نظام هستی میان پدیده ها و موجودات، گونه های مختلفی از رابطه، قابل شناسایی و تعریف است. از آن جمله :

۱. رابطه علی و معلولی؛ یعنی یک موجود علت پیدایش موجود دیگر می شود.
۲. رابطه سبب و مسبب؛ یعنی یک موجود زمینه های پیدایش و ظهور موجود دیگر را فراهم می آورد و یا موانع وجود آن را از میان بر می دارد.
۳. معلول بودن هر دو موجود برای یک علت و تأثیرپذیری آنها از یک منشأ وجود؛ که این امر خود نوعی سنخیت را پدید می آورد و این سنخیت همانندی ها و همگونی هایی را به دنبال دارد.
۴. تأثیر متقابل دو موجود در یکدیگر، به گونه ای که هر کدام بخشی از نیاز دیگری را تأمین نماید.



علاوه بر این تقسیم ها، تقسیم دیگری در زمینه انواع رابطه ها امکان پذیر است و آن عبارت است از:

۱. رابطه و تأثیر جسمانی و مادی ۲. رابطه و تأثیر معنوی و معرفتی

مطالعه در آیات قرآن و همچنین تجربه علمی و حسی نشان می دهد که تقریباً همه این گونه رابطه ها درباره انسان و طبیعت قابل شناسایی هستند. (جز رابطه علت و معلولی با معنای دقیق فلسفی آن که اطلاق علت حقیقی بر غیر خداوند مجال نظر دارد).

ما در این نوشته محور تقسیم را، رابطه مادی و رابطه معنوی قرار می دهیم و سایر گونه های رابطه و تناسب را در پرتو آن دو مورد توجه قرار می دهیم.

امروزه ما شاهد نوعی از رابطه انسان با طبیعت مواجه هستیم که به سبب اوج گیری تکنولوژی، طی دو قرن گذشته تعادل زیست محیطی به زیان طبیعت و انسان ایجاد شده و لطمات وارده بر طبیعت در این دوران، اسفبار و بعضاً غیر قابل جبران گردید؛ که این روند اگر ادامه یابد بدون تردید حیات بشر را نابود خواهد کرد.

انفجار جمعیت، مهاجرت بی رویه به شهرها و گسترش بی ضابطه شهرنشینی، تسریع در نابودی جنگلها و مراتع سرسبز و بیابانی شدن اراضی جنگلی و سبزه زارها، افزایش سیل های مخرب و فاجعه بار، کاهش تنوع زیستی و نابودی گونه های گیاهی و جانوری، فرسایش خاکهای حاصل خیز، مصرف بیش از حد سموم و مواد شیمیایی، آلودگی رودها و آب های ساحلی بوسیله فاضلاب های صنعتی و شهری، آلودگی نفتی دریاها، صید بی رویه از دریاها و کاهش ذخایر صید، افت شدید سطح آبهای زیرزمینی در نتیجه استخراج بی رویه از آنها در برخی مناطق جهان، آلودگی هوا و گرم شدن کره زمین و تخریب لایه ازن، تنها بخشی از این نابسامانی های زیست محیطی

محسوب می گردد. (اصغری لقمجانی / ۱۳۸۴: ۱)



«بحران محیط زیست در جهان امروز در حقیقت حاصل بحران اخلاقی است که به بی تعهدی و مسئولیت‌نشناسی انسان باز می‌گردد. از این رو، خروج از این بحران، نخست راه حل اخلاقی می‌طلبد. یعنی بشر امروز، نیازمند اصولی اخلاقی است که تنظیم‌کننده نحوه رفتار با محیط زیست باشد. اصولی که هم از لحاظ طبیعی مناسب باشد و هم از لحاظ انسانی و اجتماعی، مسئولیت‌آفرین.» (اصغری لقمجانی / ۱۳۸۴: ۲)

«افزایش آگاهی‌های عمومی می‌تواند منجر به حمایت بیشتر از محیط زیست شود و این مهم بجز از طریق آموزش امکان‌پذیر نیست. از سویی با توجه به ارزشی که مردم مسلمان کشور ما برای عقاید مذهبی خود قائل هستند، تفسیر و تشریح توصیه‌های اسلام درباره روش صحیح استفاده از منابع طبیعی و حفظ عناصر اصلی آن می‌تواند گامی مؤثر در جهت افزایش آگاهی‌های عمومی در مورد حمایت از طبیعت در سطح جامعه باشد.» (اصغری لقمجانی / ۱۳۸۴: ۴)

«تعالیم اسلامی نظرات منحصر به فرد و کاملاً متمایزی را در مورد طبیعت و کلیه موضوعات مرتبط با آن ارائه می‌نماید که علیرغم این موضوع متأسفانه ممالک اسلامی یا از آنها کاملاً آگاه نبوده و یا در استفاده از آنها اهتمامی مصروف نمی‌دارند.» (همان / ۵) پیام قرآن کریم درباره ناسپاسان زیست‌محیطی و فاقدان فرهنگ صیانت محیط زیست، اینست:

«ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ» (روم / ۴۱)؛ «فساد و پریشانی در همه صحرا و دریا بدست خود مردم پدید آید تا ما هم کیفر بعضی اعمالشان را به آنها بچشانیم (باشد که پشیمان شده) و به درگاه خدا باز گردند»

«آنچه از دستور سپهری و فرمان آسمانی بر می‌آید، اینست که تابلوی زیبای آفرینش، امانت الهی بدست بشر است.

صنایع تجربی مکلفند که حقوق طبیعی هر موجود اعم از دریا و آبزیان و هوا و پرندگان هوا و استنشاق‌کنندگان از آن و نیز هر پدیده موجود در طبیعت، را رعایت کنند و هرگز به هلاکت حرت



و نسل رضایت ندهند.» (جوادی عاملی / ۱۹۵)

منابع موجود در طبیعت و لزوم بهره گیری صحیح از آن

در مورد طبیعت دستور اسلام اینست که ما حاکم بر ماده و طبیعت باشیم نه محکوم آن، به عبارت دیگر رابطه میان انسان و طبیعت باید رابطه تسخیری باشد، و اسلام در این زمینه ابتدا دعوت به شناخت طبیعت و جهان و بعد تسخیر و تسلط بر آن را می کند. مثل تسلط بر آسمانها و زمین و دریاها و حیوانات و غیره. (باهر / ۱۳۷۴: ۱۴۱)

«أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ مَّا فِي الْأَرْضِ...» (حج / ۶۵)؛ «آیا ندیدی که هر چه در زمین است امر خدا مسخر شما گردانید.» «وَسَخَّرَ لَكُمْ الْأَنْهَارَ» (ابراهیم / ۳۳) ، «وَسَخَّرَ لَكُمْ الْبَحْرَ» (جاثیه، / ۱۲)، «وَسَخَّرَ لَكُمْ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ ذَاتَيْنِ...» (ابراهیم / ۳۳)

ولی باید توجه داشت که انسان باید با رسیدن به کمال نسبی و کسب ارزش وجودی خود، امانت دار امینی برای خدا باشد تا این رابطه تسخیری باشد و در صورتی که در این امانت یعنی جهان هستی و طبیعت خیانت کرده و مصرف نادرستی داشته باشد، طبیعت ارزشمند تر انسان خواهد شد. درمقابل این همه مواهب ارزشمندی که خداوند به انسان کرامت فرموده انتظار می رود که انسان نیز همچوار نیک و خیراندیش برای طبیعت و سفره گسترده آن شود. از مواد و منابع بطور معقول استفاده کند و به تخریب طبیعت و تباهی و نابودی آن دست نیازد. (حسینی / ۱۳۸۱: ۳۸۱)

در روایتی به نقل از امام صادق (علیه السلام) آمده است:

«أَحْسِنُوا جِوَارَ نِعْمِ اللَّهِ وَاحْذَرُوا أَنْ تَنْتَقِلَ عَنْكُمْ إِلَى غَيْرِكُمْ أَمَا إِنَّهَا لَمْ تَنْتَقِلْ أَنْ أَحَدٍ قَطُّ فَكَادَتْ تَرْجِعُ إِلَيْهِ، قَالَ: وَكَانَ عَلِيٌّ، يَقُولُ: قَلَّمَا أَدْبَرَ أَمْرٌ فَأَقْبَلَ» (فیض کاشانی / ۱۳۶۸: ج ۱۰ / ۴۷۷)؛ «

همسایه ای نیک و (ارزنده) برای (طبیعت و) نعمت های خدا باشید (محیط زندگی و زمین را با رفتارها و عملکردهای نادرست آلوده نکنید و در راستای اصلاح زمین، منابع و فراورده های باشکوه



آن و انواع مختلف موجوداتی که در زمین زندگی می کنند بکوشید) وگرنه بیم آن می رود که این نعمت ها از میانتان رخت برنندد و در اختیار کسان دیگری قرار گیرد. آگاه باشید (و به این اعلان خطر مهم توجه کنید) بسیار اندک اتفاق می افتد که نعمتی از فرد (و جامعه ای رخت بر بندد و سپس به آن باز گردد.) امام علی(علیه السلام) می - گفت: بسیار اندک است جریان و پدیده ای از جامعه ای روی برتابد، سپس به آن باز گردد.»

گستره طبیعت که در بردارنده نیازهای انسان و تأمین کننده خواستها و کمالهای مطلوب اوست در خور شیوه برخوردی صحیح و آن رفتاری که در آموزه های دینی بدان اشاره شده است می باشد.

۱. زمین

در بینش دین، خلقت زمین به گونه ایست که انواع منابع و امکانات در آن نهفته است. (حسینی/ ۱۳۸۱: ۳۸۱): «وَجَعَلْنَا لَكُمْ فِيهَا مَعَايِشَ...» (حجر/ ۲۰): «و در این زمین لوازم معاش و زندگی شما نوع بشر را مهیا ساختیم.»

و این انسان است که باید با سعی و تلاش مناسب، از این منابع و امکانات بهره جوید و این بهره گیری لزوماً باید به گونه ای باشد که مخّل حیات سایر موجودات نشود و همچنان در عمران و آبادانی آن نیز بکوشد چرا که در بینش وحی، انسان ملزم به انجام این مهم گردیده است:

«هُوَ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا...» (هود/ ۶۱): « او خدایی است که شما را از زمین (خاک) بیافرید و عمران و آبادیش را به شما وا گذاشت.»

درختکاری، آبیاری، حفاظت از درختان مثال هایی از اعمال سازنده در جهت کمک به عمران و آبادی زمین هستند، همچنان که امام صادق (علیه السلام) نیز طیّ حدیثی به این سه امر سفارش نموده است: «خُلِقَ لَهُ [أَيُّ إِنْسَانٍ] الشَّجَرُ فَكُلْفَ غَرْسَهَا وَ سَقِيَهَا وَالْقِيَامَ عَلَيْهَا» (مجلسی/ بی تا: ج ۳/

۸۶/ باب ۴: جعفی کوفی/ ۱۹۹۶: ۸۶)؛ «خداوند درخت را برای انسان آفریده، پس او مکلف گردید به



اینکه درخت بکارده، آن را آبیاری کند و در حفظ آن بکوشد.»

«از این رو، احیای زمین های موات و فعالیت های مختلف در جهت بیابان زدایی، حفظ و حراست از جنگل ها و مراتع و جلوگیری از نابودی آنها، تلاش در جهت شکوفایی کشاورزی و بطور کلی هر اقدامی که در عمران و آبادانی زمین مؤثر باشد، از نظر اسلام نوعی فعالیت ارزشمند محسوب می گردد.» (اصغری لقمجانی / ۱۳۸۴: ۱۰۴)

۲. دریاها و اقیانوس ها

«یکی از مظاهر طبیعت اقیانوس ها و دریاها می باشند که در چرخه حیات انسان نقش اساسی دارند، تعدیل دمای هوا، تبخیر آب، شکل گیری برف و باران و وزش بادهای مرهون وجود دریاهاست. دریاها در تجارت و حمل و نقل کالاها بسیار مؤثرند» (حسینی / ۱۳۸۱: ۳۹۰)

«وَالْفُلُكِ الَّتِي تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِمَا يَنْفَعُ النَّاسَ ...» (بقره / ۱۶۴)؛ «و کشتی ها که بر روی آب برای انتفاع مردم در حرکتند...»

«رَبُّكُمْ الَّذِي يُزْجِي لَكُمْ الْفُلُكَ فِي الْبَحْرِ لِيَتَّبِعُوا مِنْ فَضْلِهِ ...» (اسراء / ۶۶)؛ «پروردگار شماست آنکه برای شما کشتی ها را در دریا به حرکت در می آورد که تا از فضل خدا روزی طلبید...»

«دریا برای انسان جنبه اشتغال زایی دارد به گونه ای که علاوه بر تجارت از طریق کشتی، از معادنی چون نفت، گاز و انواع جواهرات در دریا بهره مند گردد، آبریزان ریز و درشت به نحوی می تواند انسان را در سامان یابی اقتصادی یاری کند.» (همان / ۳۹۱)؛

«أَحِلَّ لَكُمْ صَيْدُ الْبَحْرِ وَطَعَامُهُ مَتَاعًا لَكُمْ وَلِلسَّيَّارَةِ ...» (مائده / ۹۶)؛ «بر شما صید دریا و طعام آن (از انواع ماهیان) حلال گردید تا شما و کاروانان به آن بهره مند شوید...»

امام صادق (علیه السلام) در این زمینه می فرمایند:



« ... فَأَعْلَمُ أَنَّهُ [الماء البحر] مَكْتَفٍ وَ مُضْطَرَبٌ مَالًا يُحْصَى، مِنْ أَصْنَافِ السَّمَكِ، وَ دَوَابِّ الْبَحْرِ وَ

مَعْدِنُ اللَّوْلُؤِ وَ الْبَاقُوتِ وَ الْعَنْبِرِ، وَ أَصْنَافٍ شَتَّى تُسْتَخْرَجُ مِنَ الْبَحْرِ» (مجلسی / ۱۴۰۴: ج ۵۷ / ۸۸)؛

«بدانکه این آب محل زندگی تعداد بیشماری از گونه های ماهی و جانوران دریایی است، و معدن

مروارید و مرجان سرخ و عنبر، و گونه ها و چیزهایی دیگر که از دریا استخراج می شود.»

قرآن دریا را با همه شکوه و شگفتی و تمامی جوش و خروش آن در سیطره تسخیر انسان قرار

داده و آدمی را به بهره وری از آن فرا خوانده است. نوع سخن خداوند با انسان از دریا، خود بیانگر

راهنمایی به بهره گیری از این سرچشمه سرشار از نعمت است. (ر.ک: رستمی / ۱۳۸۵: ۲۶۸)

«وَهُوَ الَّذِي سَخَّرَ الْبَحْرَ لِتَأْكُلُوا مِنْهُ لَحْمًا طَرِيًّا وَتَسْتَخْرِجُوا مِنْهُ حَبْلَةً تَلْبَسُونَهَا وَتَرَى الْفُلْكَ مَوَاجِرًا

فِيهِ وَتَلْتَبِغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ» (نحل/۱۴)؛ «و او خدایی است که دریا را برای شما مسخر

کرد تا از گوشت (ماهیان حلال) آن تغذیه کنید و از زیورهای آن استخراج کرده و تن را بیارائید و

کشتی ها در آن برانید تا به تجارت و سفر از فضل خدا روزی طلبید، باشد که شکر خدا را بجای

آورید.»

خداوند دریا را با ژرفنای شگرف و امواج خروشان و نیز با همه مواهب و موادش در کمند قدرت

انسان قرار داده است تا از آن ارتزاق کرده و گوشت تازه بدست آورد؛ گوشتی که به هیچ روی در

تولید آن نقش نداشته و دست قدرت الهی آن را برای انسان فراهم آورده است.

دریا بهترین و گسترده ترین منبع تغذیه انسان است و اکنون در هنگامه دلهره آفرین گسترش

جمعیت کره زمین و کاستی منابع غذایی، دریا سرچشمه امیدی برای انسان به شمار می رود و

انسانی که خود را مسؤول می داند باید این موهبت عظیم الهی را پاس دارد و از آن همچون

ابزاری برای رفع نیازهای خود بهره گیرد. (ر.ک: رستمی / ۱۳۸۵: ۲۶۹)



یک انسان تربیت شده مکتب اهل بیت علیهم السلام] خوب می داند که هر نوع برخورد نادرست با آبیان، آلوده سازی دریاها و صیدهای بی رویه می تواند خللی در زندگی انسان پدید آورد و سرانجام وی را از این منبع با ارزش محروم سازد.

۳. جنگلها، گیاهان و نباتات

«جنگلها، انواع نباتات و گیاهان منابع زیادی عاید انسان می سازد. جنگلها و درختان، تأمین کننده اکسیژن مورد نیاز موجودات زنده- بویژه در خشکی- است، علاوه بر این از نوسانات زیاد دمای هوا می کاهد، در ساخت وسایل زندگی و رفاهی بشر بکار می آید و بعنوان سوخت استفاده می شود.

میوه درختان بسیاری از نیازهای غذایی و ویتامینی بدن را تأمین می کند. هسته بعضی از میوه ها کاربرد دارویی دارد. انواع گیاهان در تهیه غذاها استفاده می شود و انسان می تواند با استفاده از آنها زیست سالم و شاداب یابد.» (ر.ک: حسینی / ۱۳۸۱: ۳۹۲)

امام صادق (علیه السلام) در این زمینه می فرماید:

«الْخَسْبُ لِكُلِّ شَيْءٍ مِنْ أَنْوَاعِ التِّجَارَةِ وَغَيْرِهَا، وَاللِّحَاءُ وَالْوَرَقُ وَالْأَصُولُ وَالْعُرُوقُ الصُّمُوغُ لُضْرُوبٍ مِنَ الْمَنَافِعِ» (جعفی کوفی / ۱۹۹۶: ۱۵۴)؛ «چوب درختان و گیاهان برای مصارف تجاری و غیر آن بکار می رود. از پوست، برگ، ریشه، شاخه و صمغ درختان و گیاهان می توان انواع منافع را بدست آورد.»

آیات شریفه قرآن نیز در این زمینه بسیار گویا هستند:

«أَنَا صَبَبْنَا الْمَاءَ صَبًّا ثُمَّ شَقَقْنَا الْأَرْضَ شَقًّا فَأَنْبَتْنَا فِيهَا حَبًّا... وَحَدَائِقَ غُلْبًا وَفَاكِهَةً وَأَبًّا مَتَاعًا لَكُمْ وَلِأَنْعَامِكُمْ» (یس / ۳۲ و ۳۱ و ۳۷ و ۳۵)؛ «همانا ما آب باران را فرو ریختیم، پس خاک زمین را



بشکافتیم و حبوبات و غلات برای غذا برویاندیم... و باغها و (جنگلها) پر از درختان، و انواع میوه های (خوش) و علفها و مراتع، تا شما آدمیان و حیوانات شما از آن بهره مند شوید.»

«وَالنَّجْمُ وَالشَّجَرُ يَسْجُدَانِ وَالْأَرْضُ وَضَعَهَا لِلْأَنَامِ فِيهَا فَاكِهَةٌ وَالنَّخْلُ ذَاتُ الْأَكْمَامِ وَالْحَبُّ ذُو الْعَصْفِ وَالرَّيْحَانُ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ» (الرحمن / عو ۱۳ و ۱۰)؛ «گیاه و درخت او [خداوند] را سجده میکنند و زمین را برای مردم قرار داد. در آن میوه ها و نخل ها با خوشه هایی که در غلاف اند و دانه هایی که همراه با گاه اند و گیاهان خوشبو، پس کدام یک از نعمت های پروردگارتان را انکار می کنید؟!»

حال با توجه به تأکید آیات و روایات مبنی بر سودمند بودن و منافع ارزنده پوشش گیاهی اعم از درختان و گیاهان و نباتات استفاده ناپهینه و نابخردانه از این منافع، خطر ساز است و چه بسا زیست سالم در زمین را با مشکلاتی همراه سازد. بنابراین از همگان انتظار می رود برای بهبود و بقای حیات خود به قطع درختان و تخریب مراتع و جنگل ها دست نیازند.

۴. موجودات زنده

آوازه جهان غرب راجع به رسیدگی به حیوانات، گوش جهانیان را کر کرده است. آنان که حقوق بشر را زیر پا می گذارند و میلیون ها انسان بی گناه را زیر آتشبارهای سنگین خود به چنگال مرگ می سپرند، داعیه دار حقوق حیوانات می باشند و آنان که برای شناسایی سگانشان شناسنامه تهیه می کنند، گاه هویت جمعی انسان های مظلوم دنیا را ناشناخته اعلام کرده و با اتهامات واهی آنان را ضد حقوق بشر و مهدور الدّم معرفی می نمایند.

اما اسلام نه در قرن تکنولوژی امروز، بلکه از قرن ها قبل، فریاد عزت و غیرت انسانی را سرداده ، با ارائه جهان بینی خاص، همه چیز را مصنوع و مخلوق خداوند و ذی شعور دانسته و آنان را



صاحب ارزش می‌داند. از جمله سفارشات دین و بزرگان آن، رسیدگی به حیوانات است. (رک: نهایندی/ ۱۳۸۲: ۶۵)

درمورد حفظ و حمایت از حیوانات و رسیدگی به آنها توصیه‌های زیادی در اسلام شده است به طوری که در مکتب تربیتی اسلام، انسان به گونه‌ای تربیت می‌شود که نه تنها به حیوانات آزار نمی‌رساند بلکه حتی در مقابل آزار و اذیت و یا خستگی و زحماتی که از ناحیه حیوانات به او تحمیل می‌شود، بردباری می‌کند و حتی حیوانات وحشی نیز در پناه او احساس امنیت می‌کنند. (رک: اصغری لقمجانی/ ۱۳۸۴: ۱۲۸)

«نگاهی گذرا به آیات قرآن و زندگی معصومین (علیهم السلام) روشن می‌سازد که عدالت در رفتار و کردار از مهمترین فضایل اخلاقی است؛ اما عدالت نه فقط در میان انسانها، بلکه در برخورد با نعمت‌های الهی و موجودات زنده طبیعت، که چون ما - حیات دارند و شاید گاه در تصدیق و تکریم مقام ربوبیت از ما بیشتر باشند نیز مطرح است. این که با دست یافتن به تکنیک و فناوری، با حیوانات و گیاهان با بدی و بی‌توجهی رفتار کنیم خلاف عدالت است» (همان/ ۱۲۶)

با توجه به مفهوم عبارت «يُسَبِّحُ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ» (جمعه/ ۱) اگر نگاه ما این باشد که همه هستی از جمله «حیوانات و نباتات» مخلوق و تسبیح‌گوی خداوند هستند، بنابراین، شرط قرار گرفتن در این مدار تکاملی خلقت، آشتی، سازش و مدارا با همه مخلوقات خداوند و محبت کردن و عشق ورزیدن به همه موجودات است که تک تک آنها، آیه‌ها و نشانه‌های اویند.» (اصغری لقمجانی/ ۱۳۸۴: ۱۲۷)؛ و طبیعی است که مخلوق خدا دارای احترام خاص خویش است. (رستمی/ ۱۳۸۵: ۳۰۱)

«در فقه اسلامی، مقوله حقوق، منحصر به حقوق انسانها به یکدیگر نیست بلکه برای حیوانات نیز حقوقی در نظر گرفته و مسلمانان را به رعایت آن سفارش کرده است و بر این اساس مردم را در



مقابل حیوانات مسؤول می داند. و چنانچه در این امر کوتاهی کنند، در پیشگاه خداوند در قیامت و روز حساب، مورد مؤاخذه قرار می گیرند.» (اصغری لقمجانی / ۱۳۸۴: ۱۲۷)

امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) می فرمایند:

«اتَّقُوا اللَّهَ فِي عِبَادِهِ... فَإِنَّكُمْ مَسْئُولُونَ حَتَّى... عَنِ الْبَهَائِمِ.» (نهج البلاغه / خ ۱۶۷ / ۲۲۸)؛ «شما خدا را

به یاد داشته باشید که به شما مسئولیت داد و در رابطه با انسانها و حتی راجع به حیوانات و ... مورد بازجویی الهی قرار می گیرید.»

شاهد دیگر، کلام خداست که فرمود: «وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا طَائِرٍ يَطِيرُ بِجَنَاحَيْهِ إِلَّا أُمَمٌ أَمْثَلُكُمْ مَا فَرَطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّهِمْ يُحْشَرُونَ» (انعام / ۳۸)؛ «محققاً بدانید که هر جنبنده ای در روی زمین و هر پرنده ای که به دو بال در هوا پرواز می کند همگی طائفه ای مانند شما بنی نوع بشر هستند، ما در کتاب آفرینش هیچ چیز را فروگذار نکردیم، سپس همه بسوی پروردگار خود محشور می شوید.»

برطبق حدیثی پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) هر حیوان سواری را دارای ۶ حق دانسته است که باید صاحبش ادا کند:

«إِنَّ لِلدَّابَّةِ عَلَىٰ صَاحِبِهَا خِصَالَ يَبْدَأُ بَعْلَفَهَا إِذَا نَزَلَ وَ يَعْزِضُ عَلَيْهَا الْمَاءَ إِذَا مَرَّ بِهِ وَ لَا يَضْرِبُ وَجْهَهَا وَ لَا يَقِفُ عَلَىٰ ظَهْرِهَا وَ لَا يَحْمَلُهَا فَوْقَ طَاقَتِهَا وَ لَا يَكْلَفُهَا مِنَ الْمَشْيِ إِلَّا مَا تُطِيقُ» (الطبرسی / ۱۴۱۲: ۲۶۲) همانا برای حیوان سواری بر صاحبش حقوقی است:

- ۱- هر جا وارد شد به فکر تأمین خوراک حیوان باشد. ۲- هر گاه به آب رسید آن را بر حیوان عرضه کند. ۳- به صورت حیوان نزند. ۴- بی دلیل بر حیوان سوار نشود. ۵- بیش از طاقت حیوان از آن، کار نکشد. ۶- به پیمودن مسیرهای طاقت فرسا وادارش نسازد.



کسی که حیواناتی چند در اختیار دارد، غیر از رعایت حقوق اصلی آنها، باید کرامت و بزرگواری خود را نیز، در برخورد با حیوانات فراموش نکند؛ روایتی در این زمینه از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) نقل شده است که:

«أَبْصَرَ رَسُولَ اللَّهِ (صلى الله عليه و آله و سلم) نَاقَةً مَعْقُولَةً وَعَلَيْهَا جَهَارُهَا، فَقَالَ (صلى الله عليه و آله و سلم): أَيْنَ صَاحِبِهَا، لَأَمْرُؤَةٌ لَهُ فَلَيْسَتْ بِعَدُوٍّ غَدًّا لِلْخُصْمَةِ.» (طبرسی / ۱۴۱۲: ۲۶۳)؛ «پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) در جایی شتری دیدند که در جایی بسته بود درحالیکه بارشتر را از پشتش بر نداشته بودند. حضرت فرمود: صاحب این شتر کجاست او مردی است که جوانمردی ندارد و باید خود را برای حساب قیامت آماده کند. [در حالیکه این شتر دشمن اوست و از او شکایت می کند!]»

در اسلام زدن حیوانات، حرام و نرمی و مدارا با حیوانات از اخلاق اسلامی شمرده شده است. در حالات امام سجاد (علیه السلام) چنین آمده است که آن حضرت چهل بار سوار بر شتر به حج رفت و هرگز آن حیوان را کتک نزد.

نکته جالب توجه اینکه در اسلام حتی به نظافت محل نگهداری چهارپایان توجه شده و به صراحت فرمان داده شده است که محل دامداری و نگهداری حیوانات پاکیزه نگه داشته شود. (ر.ک: رستمی / ۱۳۸۵: ۳۵۱) از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) چنین گزارش شده است که فرمود:

«نَظَّفُوا مَرَابِضَ الْغَنَمِ وَأَمْسَحُوا رُغَامَهُنَّ...» (حرعاملی / ۱۴۰۹: ج ۱۱، ص ۵۱۳)؛ «محل خوابیدن و استراحت گوسفندان را نظافت و خاک آن را عوض کنید.»

در مورد رسیدگی به حیوانات، از بزرگان دین - ائمه طاهرین علیهم السلام - ظرایف و نکات بسیار ارزنده ای را شاهد هستیم؛ امام باقر (علیه السلام) در سفارش لطیف و عاطفی می فرماید:

«إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى يُحِبُّ اِبْرَادَ الْكَبِدِ الْحَرَّى وَمَنْ سَقَى كَبِدًا حَرَّى مِنْ بَهِيمَةٍ أَوْ غَيْرِهَا أَظَلَّهُ اللَّهُ



یَوْمَ لَا ظِلَّ إِلَّا ظِلُّهُ» (کلینی / ۱۳۶۵: ج ۴، ص ۵۸، ح ۶): «خداوند تبارک و تعالی، خنک کردن جگر سوخته را دوست دارد؛ هر کس جگر تشنه ای را از حیوان و غیر حیوان سیراب کند، خداوند در آن روزی که هیچ سایه ای جز سایه او نیست، سایه اش دهد.»

علامه مجلسی روایت عجیبی از بعضی از کتب معتبر نقل کرده که بسیار حائز اهمیت است، ایشان از مردی که نامش نجیح بود، روایت کرده که گفت: دیدم جناب امام حسن (علیه السلام) طعام میل می فرمودند و سگی در پیش روی حضرت بود و هر زمانی که آن جناب لقمه ای برای خود بر می داشت، لقمه دیگری مثل آن را برای آن سگ می افکند. گفتم: یا رسول الله! آیا اذن می دهید که این سگ را از نزد طعام شما دور کنم. فرمودند: خیر! بگذار باشد، چرا که از خداوند عزوجل حیا می کنم که صاحب روحی در روی من نظر کند و من چیزی بخورم و به او نخورانم. (قمی / ۱۴۱۰:

(۴۱۸

در روایت دیگری نقل شده است که حضرت مسیح هنگام عبور از کرانه دریا مقداری از غذای شخصی خود را به دریا انداخت. برخی از حواریان گفتند: یا رسول الله! چرا چنین کردی؟ حضرت مسیح (علیه السلام) در پاسخ فرمودند: آن را برای حیوان دریا افکندم تا از آن تغذیه کند و ثواب این کار نزد خداوند بزرگ است. (حرعاملی / ۱۴۰۹: ج ۹/ ۴۰۸ / باب ۱۹ / ح ۵۵)

در حدیث دیگری پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) می فرمایند:

«مَنْ قَتَلَ عُصْفُورًا عَبَثًا جَاءَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ لَهُ صُرَاخٌ حَوْلَ الْعَرْشِ يَقُولُ رَبِّ سَلْ هَذَا فِيمَ قَتَلْتَنِي مِنْ غَيْرِ مَنَفَعَةٍ» (نوری / ۱۴۰۸: ج ۸ / ۳۰۳ / باب ۴۴ / ح ۳ / ۹۵۰۴): «اگر کسی گنجشکی را بدون جهت بکشد، همان گنجشک روز قیامت فریاد زنان در اطراف عرش می گوید: پروردگارا از این شخص بپرس به چه جرمی مرا کشت، در حالی که کشتن من برای او نفعی نداشت.»

بر این اساس، انسان کمال یافته به این جلوه از کمال نیز با الهام گرفتن از فرامین قرآن و تأسی



پذیرفتن از سیره ائمه اطهار (علیهم السلام) در بهره گیری هر چه بهتر از منابع موجود در طبیعت، بدون لطمه و صدمه زدن به آن دست می یازد.

و الگوی صحیح رفتار با موجودات زنده طبیعت و حیوانات را در زندگی خود پیاده می کند. او خوب می داند که علاوه برحق الله و حق الناس، حیوانات نیز مخلوقات پروردگار اویند و ذی روح و طبیعی است که حقوقی دارند، از این رو، نه تنها حیوانات اهلی را نمی آزارد بلکه حیوانات وحشی و پرندگان نیز از دست او در امانند چرا که او دوستدار طبیعت و حیات وحش است.

منابع انرژی در طبیعت و لزوم استفاده بهینه از آن

« امروزه نقش انرژی در عرصه های گوناگون حیات و جایگاه بی بدیل آن در تمدن بشری بر کسی پوشیده نیست. رشد سریع جمعیت ناگزیر افزایش مصرف انرژی را در پی دارد که این امر

بهره وری بهینه و صرفه جویی در مصرف آن را می طلبد.» (کلانتری / ۱۳۸۴: ۱۳۷)

بدون شک، نعمت ها و مواهب موجود در کره زمین، برای ساکنانش کافی است اما به یک شرط و آن اینکه بیهوده به هدر داده نشود، بلکه بصورت صحیح و معقول و دور از هر گونه افراط و تفریط مورد بهره برداری قرار گیرند. وگرنه این مواهب آنقدر زیاد و نامحدود نیست که با بهره گیری نادرست، آسیب نپذیرد.

و ای بسا مصرف بی رویه در منطقه ای در زمین باعث محرومیت منطقه دیگری شود و یا اسراف و تبذیر انسانهای امروز باعث محرومیت نسلهای آینده گردد.

آن روز که ارقام و آمار، همچون امروز دست انسانها نبود اسلام هشدار داد که در بهره گیری از مواهب خدا در زمین، اسراف و تبذیر روا مدارید. (رک: مکارم شیرازی / ۱۳۸۱: ۵۰۷)؛ قرآن در آیات فراوانی شدیداً مسرفان را محکوم کرده است.

در جایی می گوید: «... وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ» (انعام / ۱۴۱)؛ «اسراف مکنید که خدا



مصرفان را دوست نمی دارد.»

۱. آب، مایع حیات

در طول ادوار گذشته تاریخ، آدمیان «آب» را بعنوان عنصری تمدن ساز نگریسته اند؛ هر کجا آبادانی، در پهنه گیتی نمایان شده است، بقای خود را از این گوهر هستی بخش داشته است. چرا که اصلی ترین ماده بهداشت و تندرستی، بلکه پایه حیات و زندگی آب است.

در نگرش دین آب مایه حیات است، آنجا که می فرماید:

«وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيًّا» (انبیاء / ۳۰)؛ «و از آب هر چیزی را زنده گردانیدیم.»

«چه اینکه اساس کشاورزی، بهداشت و رشد و نمو جانداران به آن وابسته است. (حسینی / ۱۳۸۱:

۸۶) بر اساس برخی روایات، شخصی از امام صادق (علیه السلام) درباره طعم آب پرسید حضرت با

تشبیهی زیبا و شگفت در پاسخ او فرمود:

«طَعْمُ الْمَاءِ طَعْمُ الْحَيَاةِ» (حمیری قمی / بی تا: ۲۳۴ / ۵۵)؛ «طعم آب، طعم حیات و زندگی است.»

بلکه شاید بتوان از برخی روایات استفاده کرد که منشأ پیدایش همه موجودات مادی آب است. بر

طبق یکی از این روایات، شخصی از امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) پرسید: اصل اشیاء چیست؟

حضرت ضمن، استناد به آیه فوق (انبیاء / ۳۰) از آب بعنوان اصل اشیاء نام برد. (ر.ک: نمازی

شاهرودی / ۱۳۸۱: ج ۱ / ۱۵۱)

در آیه دیگری، خداوند، آفرینش همه جنبندگان را از آب می داند و می فرماید:

«وَاللَّهُ خَلَقَ كُلَّ دَابَّةٍ مِنْ مَاءٍ» (نور / ۴۵)؛ «و خدا هر حیوان و هر جنبنده ای را از آب آفرید.»

اهمیت فوق العاده و نقش بی بدیل آب در زندگی انسان، سبب شده است شریعت اسلامی، بر

ضرورت استفاده بهینه از آب تأکید ورزد و این مهم را به شیوه های گوناگون ابراز دارد. برای مثال



خواستہ است وضو و غسل، با ریختن کمترین مقدار آب، انجام شود یعنی برای ساختن وضو مقدار یک مد (حدود یک لیتر) و برای انجام غسل، یک صاع (حدود سه لیتر).

در روایتی بنابر نقل شیخ صدوق آمده است:

قال رسول الله (صلى الله عليه و آله و سلم) :

«الْوُضُوءُ مَدٌّ وَالْغُسْلُ صَاعٌ، وَ سَيِّئَاتِي أَقْوَامٌ بَعْدِي يَسْتَقِلُّونَ ذَلِكَ فَأَوْلَيْكَ عَلَيَّ خِلَافِ سُنَّتِي وَ النَّابِتُ

عَلَى سُنَّتِي مَعِيَ فِي حَظِيرَةِ الْقُدْسِ» (حر عاملی / ۱۴۰۹: ج ۱، ۴۸۳ / باب ۵۰ / ح ۱۲۸۰)؛ «وضو، با یک

مد و غسل با یک صاع آب انجام بگیرد، و بزودی پس از من، مردمی خواهند آمد که این مقدار را اندک می‌شمارند، اینان بر خلاف سنت من هستند، و کسانی که بر سنت من، ثابت قدم باشند، همراه من در بهشت خواهند بود.»

«برهمن اساس، چنان چه به اسباب و علل گوناگون، بر شخص واجب شود وضو بگیرد، یا غسل کند، انجام یک عمل به نیت همه اسباب کفایت می‌کند.» (کلانتری / ۱۳۸۴: ۷۷) صاحب شرایع در اشاره به این حکم می‌نویسد:

«إِذَا اجْتَمَعَتْ أَسْبَابٌ مُخْتَلِفَةٌ تَوْجِبُ الْوُضُوءَ كَفَى وَضُوءٌ وَاحِدٌ.» (حرعاملی / ۱۴۰۹: ج ۱ / ۳۳۹)؛ «هر

گاه اسباب گوناگون برای وضو در فردی جمع شود، یک وضو بس است.»

در پرتو همین روایات، جهت گیری فتاوی فقیهان در باب وضو و غسل، صرفه جویی در مصرف آب است:

«وَمِنَ السُّنَنِ أَنْ يَكُونَ الْوُضُوءُ بِهَدِّ بِلَاخِلَافٍ» (حرعاملی / ۱۴۰۹: ج ۱ / ۳۳۹)؛ «از مستحبات وضو

آنست که بایک مد آب انجام شود و کسی از فقیهان با این حکم مخالفت نکرده است.»

افزون بر آنچه گذشت، بطور کلی، اسراف در آب و به هدر دادن آن مورد نکوهش پیشوایان دین

(علیهم السلام) است:



امام صادق (علیه السلام) می فرمایند:

«أَدْنَى الْإِسْرَافِ هِرَاقَةُ فَضْلِ الْمَاءِ وَ ابْتِدَالُ ثَوْبِ الصَّوْنِ وَ إِلقاءُ الْتَوَى» (کلینی/ ۱۳۶۵: ج ۶ / ۴۶۰)؛

«کمترین اسراف آن است که زیادی آب، دور ریخته شود، لباس بیرون خانه، بعنوان لباس خانگی مورد استفاده قرار گیرد و هسته های خرما دور افکنده شود.»

با توجه به اینکه آب اصلی ترین ماده بهداشتی است و به دلیل محدودیت منابع آبی و نیاز گسترده و روزافزون بشر به آن، لازم است به فرامین و توصیه های دینی در این زمینه جامعه عمل پوشاند و با درک اهمیت آب و فرهنگ مصرف آن در حیطه فردی در مصرف بهینه آن کوشید، (ر.ک: کلاتتری/ ۱۳۸۴: ۸۳) و درحیطه فرا فردی با تسخیر آنها، سدسازی، استفاده از روشهای علمی بهره وری از آب، کشف آبهای زیرزمینی و هدایت آنها، اصلاح شبکه فاضلاب، بازیافت آب از پسابها و تصفیه آن. از مصرف نابهینه آن جلوگیری کرده و حیات اقتصادی- اجتماعی را با آن سامان بخشید. (ر.ک: حسینی/ ۱۳۸۱: ۳۸۶)

۲. برق و گاز

« امروزه برق، بعنوان انرژی مادر، مطرح است و نقش تعیین کننده آن در صنعت، کشاورزی، ساختمان سازی، علوم پزشکی، آموزش و پرورش، مصارف خانگی و دیگر عرصه ها، بر کسی پوشیده نیست.

از سوی دیگر، میزان تولید و مصرف این انرژی، سربه سر و به عبارتی، ضریب ذخیره سازی آن پائین و ضعیف است. با توجه به این واقعیت ها، تردیدی در ضرورت صرفه جویی در انرژی برق و لزوم استفاده مناسب از آن باقی نمی ماند. (کلاتتری/ ۱۳۸۴: ۱۴۰) در روایات، اموری چند از جمله، روشن کردن چراغ، درحالیکه نیازی به آن نیست، از مصادیق «تضییع مال» معرفی شده است.

به نقل از علی (علیه السلام) آمده است:



«خَمْسٌ تَذْهَبُ ضِياعاً سِرَاجٌ تَقْدُهُ فِي شَمْسِ الدُّهْنِ يَذْهَبُ وَالضُّوءُ لَا يُنْتَفَعُ بِهِ» (مجلسی / بی تا: ج ۶۸ / ۴۷ / باب ۶۱ / ح ۵۹)؛ «پنج چیز ضایع می شود و از بین می رود: [یکی] چراغی که آن را در نور خورشید برافروزی، در این فرض، روغن چراغ به مصرف می رسد ولی از نور آن بهره ای برده نمی شود...»

«به هرحال، در عصر ما، گاه زیاده روی در مصرف برق، یا درست مصرف نکردن آن، مثل اینکه شخصی در زمان اوج مصرف که نیاز به این انرژی افزایش می یابد، از وسایل برقی پرمصرف مصرف استفاده کند، یا لامپ های متعددی را بدون ضرورت، روشن بگذارد و بدین ترتیب، سبب افت و پائین آمدن جریان برق و در نتیجه خاموشی آن در مناطق دیگر شود، چه بسا ساکنین آن مناطق، از اسراف گری این شخص، متضرر و حتی گاهی متحمل خسارت های جبران ناپذیر شوند، از این رو باید به صرفه جویی در مصرف برق، فراتر از یک امر اقتصادی، بعنوان یک مسئله شرعی نگریست.» (کلانتری / ۱۳۸۴: ۱۴۱)

گاز نیز یکی از گنجینه های پر ارزش طبیعت است که نقش مهمی در زندگی امروز بشر ایفا می کند. این ماده، مانند نفت، زغال سنگ و دیگر مواد سوختی سهم مهمی را در پیشبرد اهداف تمدن بشری، به خود اختصاص داده است و نقش مهم تری در زندگی آینده انسان خواهد داشت. گاز طبیعی: گازی است، بی بو، بی رنگ و بی شکل، که قابل اشتعال بوده و اگر سوزانده شود، مقدار قابل توجهی انرژی در اختیار انسان می گذارد.

این گاز می تواند حرارت و انرژی را به میزان دلخواه، در اختیار ما بگذارد و به همین دلیل، امروزه به مقدار زیاد در جهان مصرف می شود. همه این واقعیات، دلایل روشنی است بر ضرورت صرفه جویی در مصرف گاز و استفاده صحیح از آن. (رک: همان، ص ۱۵۱)

چرا که به فرموده مولای متقیان، امام علی (علیه السلام): «کثرة السرف تدمر» (تمیمی آمدی / ۱۳۶۶:



۳۵۹/ح ۸۱۲۹)؛ «مصرف بی رویه و استفاده نادرست از امکانات از عوامل ویرانی و هلاکت است.»
قرآن کریم نیز با لحن شدیدتری بر این امر تأکید دارد. «وَلَا تُطِيعُوا أَمْرَ الْمُسْرِفِينَ الَّذِينَ يُفْسِدُونَ فِي
الْأَرْضِ وَلَا يُصْلِحُونَ» (زمر/ ۵۳)؛ «و فرمان اسرافکاران را که در این سرزمین فساد می کنند و
اصلاح نمی کنند، اطاعت نکنید.»



نتیجه بحث

قرآن با آیات نورانی خود در چهارده قرن پیش، به معرفی هوشمندی گستره ی وسیعی از مخلوقات غیر انسانی در پهنه ی گیتی پرداخته است و به طور صریح، علم و ابزار بشری را در ارتباط با فهم و رویت این طیف گوناگون از شعور و ادراک به چالش گرفته است. در نتیجه انسان به عنوان جزئی از این جهان، باید با دیگر مخلوقات خداوند همکاری سازنده و پایدار داشته باشد. طبیعت و محیط زیست، محلی است که انسان در آن متولد شده و رشد و نمو کرده است و در آن زندگی می کند. به همین خاطر، باید به گونه ای با آن رابطه برقرار کند که ضمن برخوردار شدن از مواهب طبیعی، در حفظ سلامت و پایداری آن نیز بکوشد تا امانت دار خوبی نزد خدا بوده و به بهترین نحو این موهبت ها را به نسل های آینده نیز منتقل کند.





منابع

* قرآن مجید

* نهج البلاغه، محمد دشتی، انتشارات مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمؤمنین(علیه السلام)، ۱۳۸۳، قم.

۱. اصغری لقمجانی، صادق، اصول تربیت زیست محیطی در اسلام، نشر سپهر، ۱۳۸۴، تهران.

۲. باهنر، محمد جواد، انسان و خود سازی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۴، تهران.

۳. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، غررالحکم ودرالکلم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۶، قم.

۴. جعفری کوفی، مفضل بن عمر، توحید مفضل، انتشارات مکتبه الداوری، ۱۹۹۶م، قم.

۵. جوادی آملی، عبدالله، انتظار بشر از دین، مرکز نشر اسراء، ۱۳۸۲، قم.

۶. حرعاملی، محمد بن حسن، وسایل الشیعه، مؤسسه آل البيت، ۱۴۰۹، قم.

۷. حسینی، سیدهادی، فقرو توسعه در منابع دینی، مؤسسه بوستان کتاب، ۱۳۸۱، قم.

۸. حمیری، عبدالله بن جعفر، قرب الاسناد، انتشارات کتابخانه نینوی، تهران، بی تا.

۹. رستمی، محمد حسن، سیمای طبیعت در قرآن، مؤسسه بوستان کتاب، ۱۳۸۵، قم.

۱۰. صدوق، محمد بن علی، علل الشرایع، انتشارات مکتبه الداوری، قم، بی تا.

۱۱. طبرسی، حسن بن فضل، مکارم الاخلاق، انتشارات شریف رضی، ۱۴۱۲، قم.

۱۲. کلانتری، علی اکبر، اسلام و الگوی مصرف (درآمدی بر کم و کیف مصرف بر اساس فقه و اخلاق اسلامی)، مؤلف با همکاری بوستان کتاب، ۱۳۸۴، قم.

۱۳. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵، تهران.

۱۴. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۴، بیروت، لبنان.

۱۵. مکارم شیرازی، ناصر، یکصد موضوع اخلاقی در قرآن و حدیث، تدوین: سید حسین حسینی، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۱، تهران.



۱۶. محدث نوری، حسین بن محمد تقی، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل البيت، ۱۴۰۸، قم.
۱۷. نجفی، محمد حسن، جواهرالکلام، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵، تهران.
۱۸. نعمانی، محمد بن ابراهیم، الغیبه، مکتبه الصدوق، ۱۳۹۷، تهران.
۱۹. نمازی شاهرودی، مستدرک سفینه البحار، مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۱۸، قم.

